

بررسی اوضاع خلیج فارس در دوره‌های ایلام قدیم و میانه

علی اعراب^۱

چکیده

خلیج فارس در جنوب سرزمین ایلام واقع شده و لیان یکی از شهرهای مهم این دوره (ایلام قدیم و میانه) در ساحل خلیج فارس قرار گرفته است. الهه‌ی کیر ایریش یکی از بزرگ‌ترین خدایان ایلام در این شهر مورد پرستش بود. در کنار لیان شهرهای مهم دیگری نیز وجود داشته است، مانند شری هوم و میشیمروه. حال این سؤالات پیش می‌آید که خلیج فارس در دوره‌های ایلام قدیم و میانه چه جایگاهی داشته؟ و نقش خلیج فارس در ارتباط بین سرزمین‌های مجاورش در این دو دوره به چه صورت بوده است؟ از مهم‌ترین سرزمین‌های مجاور خلیج فارس می‌توان به دیلمون، مگن، فیلکه (کویت) و محوطه‌هایی در عمان و امارات اشاره کرد. با بررسی آثار این سرزمین‌ها کاملاً مشخص می‌شود تمام این سرزمین‌ها با یکدیگر و با ایلامیان از راه خلیج فارس ارتباطات مهمی داشته‌اند. دیلمون که بیشتر باستان‌شناسان محل آن را بحرین دانسته‌اند، در مدت زمان زیادی فرمانروایانی کاسی‌نژاد داشت، کاسی‌هایی که خود اصلیتی از فلات ایران داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: خلیج فارس، ایلام قدیم، ایلام میانه، دیلمون، مگن.

^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران Ali.aarab@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۰۸



در این مقاله سعی شده تا جایگاه خلیج فارس در دوره‌های ایلام قدیم و ایلام میانه مشخص شده و نقش خلیج فارس در ارتباط بین سرزمین‌های مجاورش تعیین گردد. برای رسیدن به این اهداف بر آثاری که از حفريات باستان‌شناسی مناطق مرتبط به دست آمده تأکید ویژه‌ای نموده‌ایم. برای درک بهتر موضوع سعی شده تا در ابتدا به صورت بسیار مختصر به معرفی دوره‌ی ایلام پردازیم: ایلام ساخت تصنعی است. نامی که کاتبان بین‌النهرینی که از آبرفت به فلات ایران می‌نگریستند آن را ساختند. و این نام را درباره‌ی مناطق متفاوت جنوب‌غربی ایران و مردمان آن به کار بردند. در مناطق سومری از نیمه‌ی هزاره‌ی سوم ق.م نام ایلام با سومر نگار "NIM" به معنی ساده‌ی بلند نوشته شده است، که اغلب با معرف KI به نشانه‌ی (سرزمین، مملکت) همراه بود (پاتس، ۱۳۸۸: ۱۵-۱۶). ایلامی‌ها سرزمین خود را به خط میخی سرزمین «هل-تم ° اتی» Hal-tam(A)ti یا «هاتمتی» خوانده‌اند که احتمالاً آلتمتی تلفظ می‌شده است. این کلمه از دو قسمت «هل» به معنی سرزمین و «تمتی» به معنی خدایان یا مقدس تشکیل گردیده و در مجموع به معنی سرزمین مقدس یا سرزمین خدایان است. پارسیان، ایلامی‌ها و سرزمین آن‌ها را به نام «اوجا» "Uja" یا «هوجا» "Huja" خوانده و موطن اصلی آن‌ها را کوهستان‌های مشرق شوش تصور نموده‌اند (باغبان کوچک، ۱۳۷۵: ۶). ایلام به چهار دوره‌ی فرهنگی تقسیم می‌شود: ۱- آغاز ایلامی ۲- ایلام قدیم ۳- ایلام میانی ۴- ایلام جدید (علیزاده، ۱۳۸۷: ۳۴)، که بحث مورد توجه این مقاله دوره‌ی ایلام میانه و ایلام قدیم را در بر می‌گیرد، ایلام میانه هم خود به سه دورته تقسیم می‌شود: ۱. کیدینویداها ۲. ایگی هالکیها ۳. شوتروکیها (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۴۲-۳۹). به نظر می‌رسد ایلام از دو قسمت تشکیل می‌شده است: یکی قسمت کوهستانی (کوه‌های



بختیاری) و قسمت دیگر که در دشت واقع شده بود. در مورد بومیان ایلام نظرات مختلفی وجود دارد، عده‌ای معتقدند که بومیان اولیه‌ی این کشور، حبشی بودند که این نژاد در کنار سواحل خلیج فارس تا هندوستان گسترده بودند و سومری‌ها هم از همین نژاد منشعب شده‌اند. عده‌ای دیگر ساکنان اولیه‌ی ایلام را مردمی شبه سیاه می‌دانند که با دراویدیهای هند نسبت داشته‌اند آن‌ها در واقع این بومیان را از نژاد مدیترانه‌ای به حساب می‌آورند، و گروه دیگر ایلامی‌ها را از نژاد آسیایی یا آریایی دانسته که به هیچ کدام از اقوام هند و اروپایی و دیگر اقوام سامی تعلق ندارند (جوزی، ۱۳۷۲: ۱۲). هیئتس معتقد است ایلامیان مردمی تیره پوست بودند، که اکنون در سواحل جنوبی ایران وجود دارند و هرگز سیاه پوست نیستند. از طرف دیگر افراد قهوه‌ای پوست (سبزه) ممکن است نمایانگر ایلامیان کوه‌نشین مثل، بختیاری‌ها که اکثریت سیاه و قهوه‌ای (سبزه) پوست هستند، باشند. آن‌ها نژادی خشن می‌باشند که به زندگی در کوه‌ها عادت دارند (هیئتس، ۱۳۸۳: ۲۶-۲۷).

در عصر ایلام میانه سیاست ایلامی بر فراتر از آنچه اکنون جنوب غربی ایران نامیده می‌شود تسلط یافت. بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهرهای آن‌ها شامل: شوش، هفت تپه

و چغازنبیل در خوزستان است، در عین حال هزاران محوطه‌ی باستانی دیگر که هنوز کاوش نشده‌اند هم وجود دارند. از جمله‌ی این محوطه‌ها می‌توان به محوطه‌های

۴۷ شناسایی شده در حوزه‌ی رود کر، تل ملیان، محوطه‌های واقع در دره‌ی بین بهبهان و شیراز، تل اسپید، تل نور آباد و کورانگون، تل افغان نزدیک لردگان واقع در کوه‌های بختیاری، و در ساحل خلیج فارس تل پی‌تل (لیان باستان) نزدیک بوشهر امروزی

اشاره کرد (Potts, 2006: 111).



ملاحظات زیست محیطی

خلیج فارس میان ۲۴ درجه و ۳۰/۵ درجه عرض جغرافیایی واقع و اقلیم آن خشک و نیم حاره‌ای است و چون پیرامون آن را خشکی احاطه کرده است وضع این دریا نیز اصولاً قاره‌ای به شمار می‌رود. در واقع خلیج به دلیل نداشتن سپر اقیانوسی در اطراف خود دارای تلاطم شدید فصلی و تغییر بسیار در وضع رسوبی کف دریاست (امیر ابراهیمی، ۱۳۷۷: ۷). خلیج فارس دریای کم عمق فرا اقلیمی است که حدود ۱۰۰۰ کیلومتر طول و ۲۰۰-۳۵۰ کیلومتر عرض دارد، که در نقاطی چون تنگه‌ی هرمز این عرض به حدود ۶۰ کیلومتر می‌رسد. عمق میانگین آن ۳۵ متر است (بیشترین عمق آن ۱۰۰ متر می‌باشد). بالاترین در صد شوری آب ۳۷ تا ۴۰ در صد گزارش شده است. در طول آخرین دوره‌ی یخ‌بندان وقتی که سطح دریای جهانی ۱۲۰ متر پایین‌تر از امروز بود، سطح خلیج فارس بستری برای ترکیب آب‌های کارون، دجله و فرات بود و به عنوان یکرودخانه‌ی باریک منفرد به سوی تنگه‌ی هرمز حرکت می‌کرد. با شروع تجاوز فلاندرین حدود ۱۷۰۰۰ سال پیش سطح آب دریادر دره‌ی خلیج شروع به بالا آمدن کرد و در ۷۰۰۰ سال پیش سطح آب دریا قابل مقایسه با سطح امروزی آن شد (Lambeck, 1996: 49). جلگه‌های خوزستان، بهبهان، برازجان و بوشهر (بخشی از سرزمین‌های ایلامیان قدیم و میانه) تا اواخر دوران سوم زمین‌شناسی زیر آب دریا پوشیده یوده‌اند، و در دوران چهارم سر از آب به در آورده‌اند. بنابراین قسمت شمال غربی خلیج فارس از قسمت جنوب شرقی آن بسیار جوان‌تر و پیدایش آن به دوران ما نزدیک‌تر است (اقتداری، ۱۳۴۵:

خلیج فارس در دوره‌ی ایلام قدیم

پلی دودمان آوان را پایه گذاری کرد که یک کتیبه از لیان خلیج فارس با درجه‌ای از احتمال به وی نسبت داده می‌شود (کامرون، ۱۳۷۴: ۲۴). ما تنها نام او را می‌دانیم، پلی، که چندان هم دقیق نیست، و از شش تن جانشین او هیچ چیز نمی‌دانیم. با این حال این کتیبه متعلق به یک پرستشگاه از جزیره‌ی لیان در خلیج فارس نزدیک بوشهر (ری شهر) امروزی است. تا حدودی مطالبی را در خصوص تاریخ ایلام در اختیار ما می‌گذارد. این کهن‌ترین مدرک موجود از زبان ایلامی است، در این کتیبه تنها یک هجا از قسمت پایانی نام سازنده‌ی معبد هی به جا مانده است، وی خود را خدمتگزار لپاک یعنی خدایان می‌داند. از آنجا که نام هیچ یک از پادشاهان آوان به هی پایان نمی‌پذیرد، سازنده‌ی معبد یاد شده حاکمی کم اهمیت و یا محلی در قرن بیست و پنجم یا بیست و چهارم پیش از میلاد بوده است، یا یک نایب السلطنه ایلامی و یا به احتمال فرماندار شری هوم که می‌تواند همان منطقه‌ی ایلامی سرزمین‌های ساحلی در کنار خلیج فارس بوه باشد (مجید زاده، ۱۳۷۰: ۶). چنین به نظر می‌رسد که شری هوم حدود بندر دیلم (در منتهی الیه شمال استان بوشهر) تا نواحی جنوبی استان بوشهر بوده است (بزار، ۱۳۸۴: ۱۰). آاناتوم (حدود ۲۴۶۰ ق.م) یکی از قدرتمندترین فرمانروایان سلسله‌ی نخست لاگاش، چند کتیبه از خود

به جای گذاشته است که در آنها از پیروزیهایش بر ایلام با ترتیب زمانی مفروض، سخن می‌گوید. آاناتوم دست کم به دو لشکرکشی در شرق دست زد که در اولی شاید در تلاش برای گشودن راهی زمینی به شوشان بود؛ و در دومی به شهرهای غربی نزدیک به دماغه‌ی خلیج فارس از جمله میسیمه و اروائزا حمله کرد (پاتس، ۱۳۸۸: ۱۴۴). شاید پس از این حمله بود که ارتباطات تجاری لاگاش با ایلام گسترش پیدا کرد، پاتس در کتاب خود به دو دسته از این تجارت‌ها اشاره دارد که از طریق قایق و



بندر صورت گرفته‌اند. با توجه به مطلب ذکر شده در مورد حمله‌ی آاناتوم، احتمالاً این تجارت‌ها از طریق خلیج فارس صورت گرفته است. که یک دسته از این اقلام الوار چوبی‌ای است که به وسیله‌ی قایق حمل شده و دسته‌ی دیگر غلات، آرد، پیه خوگ و برده است که به بندر گواب در لاگاش برده شده‌اند (پاتس، ۱۳۸۸: ۱۴۷). منیشتوسو پسر بزرگ سارگون نخستین فرمانروای اکد قدیم بود که به قلب استان فارس رخنه کرد، از کتیبه‌ی منیشتوسو در می‌یابیم که او پیش از گذشتن از خلیج فارس و ادامه‌ی راهش، برانشان و شری هوم چیره شده بود (پاتس، ۱۳۸۸: ۱۶۸). کتیبه‌ی منیشتوسو این چنین است «من با هدایا و پیشکش‌ها آنشان و شری هوم را به سوی خدایم، خدای خورشید (شمش) رهبری کردم». (پزار، ۱۳۸۴: ۲۲). یک شاخه از سپاه او از طریق زمین و از راه شوش به سوی خلیج فارس پیشروی کرد، و شاخه‌ی دیگر تحت فرمان خود او با کشتی، خلیج فارس را در نوردید (هیتس، ۱۳۸۳: ۷۸). این سپاهیان پیکارگران سی و دو شهر در خاک ایلام را شکست دادند، و سراسر ناحیه تا کانی‌های فلزات گران بها غارت و ویران گردید و راه برای حمل دیوریت و کانی‌های گران‌بها از ساحل ایرانی خلیج فارس به بابل باز شد (کامرون، ۱۳۷۴: ۲۸). از دلایل مهم حمله‌ی منیشتوسو به دست آوردن دیوریت در زاگرس جنوبی بود که در معماری آن روز بسیار ارزش داشت (پزار، ۱۳۸۴: ۲۴). اگر شری هوم در امتداد ساحل فارس واقع شده باشد، باید مسیری برای پیشروی شبیه به مسیری که شیراز امروزی را به بوشهر در خلیج فارس می‌پیوندد، در نظر بگیریم. در زمان فرمانروایی منیشتوسو او حاکمی (انسی) به نام ایلشوربی در منطقه‌ی ساحلی می‌شیمه در ایران، و همچنین حاکمی (انسی) در ایلام به نام آشپوم داشته است (پاتس، ۱۳۸۸: ۱۶۹)، نکته‌ی جالب توجه در خصوص کتیبه‌ی منیشتوسو، که به زبان بابلی قدیم است نام بردن از خلیج فارس با عنوان دریای سفلی می‌باشد (پاتس، ۱۳۸۸:



(۱۶۸). به دست آوردن اطلاعاتی از شوش و شوشان در زمان استقرار اکدیها در دوره‌ی آوان ایلام در آنجا کار دشواری است. در واقع مجموعه‌ی متنوعی از مواد مکشوف از شوش وجود دارد که بیشترشان لایه نگاری نشده‌اند. در کل این اشیا ارتباط با دره سند، شبه جزیره‌ی عمان و منطقه‌ی خلیج فارس را می‌نمایاند (پاتس، ۱۳۸۸: ۱۸۹). طبق اصول حال باید به سراغ خلیج فارس در دوره‌ی سلسله‌ی سیماش از ایلام قدیم برویم، ولی متأسفانه تحقیق در این خصوص نتیجه‌ای را در پی نداشت. البته باید توجه داشت از آنجا که خلیج فارس هم در سلسله‌ی آوان مطرح شده و هم در عصر سوکل مخها (نایب‌السلطنه‌های بزرگ) پس باید احتمالاً در عصر سیماش هم خلیج فارس قسمتی از حکومت ایلام قدیم بوده باشد، اما مطرح کردن این امر نیاز به مطالعات و بررسی‌های بیشتری دارد، که امید است شاهد پیشرفت‌های سریع‌تری باشیم. یکی از دلایل عدم وجود آثار شاخص عصر سیماش در خلیج فارس شاید دور بودن مرکز حکومتی آن‌ها از خلیج فارس است (پزار، ۱۳۸۴: ۲۵). استولپر، سیماشکی را لرستان یا حداقل شرق آن می‌داند (Stolper, 1982: 42). از دوره‌ی سوکل مخها مجموعه‌ی فزاینده‌ای از مدارک

مکتوب و باستان‌شناسی به دست می‌آید که بازتاب پیوند بین شوش، ایلام و آنشان، مناطق ساحلی خلیج فارس و باختر (شمال افغانستان/جنوب ازبکستان) است.

۵۱ ای/انزگ/ک خدای اصلی دیلمون، نامیکه بر بحرین و سرزمین اصلی مجاور نهاده شده است و امروزه در شرق عربستان سعودی است، در معبدی در شوش و معبر سنگفرشی از اوایل هزاره‌ی دوم ق.م که وقف آ، اینشوشینک و آنزگ شده بود مقدس داشته می‌شد (پاتس، ۱۳۸۸: ۲۸۱). از شوش تعدادی اثر مهر و مهر به دست آمده که بیان‌گر ارتباط شوش و دیلمون است (پاتس، ۱۳۸۸: ۲۸۱). این ارتباطات جز از طریق خلیج فارس با دیلمون (بحرین) امکان پذیر نبوده است. اما به غیر از این موارد از



شیموت ورتش جانشین شیروکدوه که در سال ۱۷۷۰ ق.م به مقام پادشاهی ایلام رسید، یک مهر استوانه‌ای (تنها سند باقی مانده از وی) از معبد الهه کیریریش در لیان خلیج فارس باقی مانده است (مجید زاده، ۱۳۷۰: ۱۶). به علاوه در قطعه‌ای از کتیبه‌ی اکدی که پزار به سال ۱۹۱۳ میلادی در بوشهر خلیج فارسکشف کرد از شیموت ورتش نام برده شده است، اگر قابل انتساب به جانشین شیروکدوه باشد، این نشان می‌دهد که سلطه‌ی سوکل مخ‌ها در امتداد ساحل خلیج فارس بسیار تحکیم شده بود و پیوند با دیلمون از راه فارس به آسانی تا خلیج فارس و کرانه‌ی رود کرخه پیش رفته بود (پاتس، ۱۳۸۸: ۲۸۳).

خلیج فارس در دوره‌ی ایلام میانه

هومبان نومن پسرآترکیتنه ظاهراً پادشاهی بسیار توانا از سلسله‌ی ایک هلکی بود. وی به عنوان پادشاهانشان وشوش و امیر ایلام نخستین کسی بود که دعوی لقب گسترنده‌ی امپراتوری کرد (کامرون، ۱۳۷۴: ۷۷). او برای الهه‌های بزرگ معبدی در لیان بنا کرده بود و در کتیبه‌ی مربوط به آن نه تنها هومبان و کیریریش را یاد می‌کند بلکه خدایان بخشنده‌ی لیان را هم نام می‌برد (هیتس، ۱۳۸۳: ۱۳۳). متن این کتیبه به این صورت است که هومبان نومن یک عبادتگاه بلند (کوکونوم) برای خدایان نپیرشا، کیریریشو باهاهوتپ، خدای نگهدار زمین، ایجاد کرده و هدفش از ساخت این معبد دریافت سلامتی از این خدایان برای خودش، همسرش میشیمره و برای زندگی ریشاپ لا بوده است و او امیدوار است در ازای احداث این بنا سه خدای مذکور به او سلطتی پویا و با نشاط تقدیم کنند زبان این کتیبه ایلامی است (Potts, 2010: 487). بندری به نام میسیمه که احتمالاً در مسیر بین استان‌های بوشهر و خوزستان واقع شده است (حصاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۵). نامی جالب توجه و هم ریشه با همسر هومبان نومن یعنی میشیمره دارد. این امر می‌تواند دلیلی بر آن باشد



که خلیج فارس در نزد ایلامیان قدیم و میانی مانند مادری بخشنده بوده است. به همین دلیل شاید زنان حاشیه‌ی این خلیج در نزد ایلامیان جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند. هرچند جامعه‌ی ایلامی ذاتاً جامعه‌ای زن سالار و مادر سالار بوده است (قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۳)، اما احتمالاً زنان حاشیه‌ی خلیج فارس نیز از طرف دیگر از احترام ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. به عنوان مثالی دیگر از کتیبه‌های هومبان نومن می‌توان به یک کتیبه از او در شوش که چنین شروع شده است: ای خداوندگار بزرگ، کیریریش و حامیان (آسمانی) زمین، (خدایان) لیان، من هومبان نومن، اشاره کرد (پاتس، ۱۳۸۸: ۳۲۶). باهاوتپ یا خدای نگهدار زمین نامی نیست که همواره در کتیبه‌های هومبان نومن ذکر شود، بلکه در بیشتر کتیبه‌های این شاه ایلام میانه از کیریریش و ناپیرشا نام برده می‌شود. در کتیبه‌ای هم به خط آکدی که از تل پیتل (لیان باستان) به دست آمده است تنها از دو خدای کیریریش و ناپیرشا نام می‌برد (Potts, 2010: 488). تفسیر علت ساخت معبدی برای کیریریش لیان در خلیج فارس به وسیله‌ی او روشن نیست (پاتس، ۱۳۸۸: ۳۲۹). در کل با توجه به شواهدی که هم در دوره‌ی ایلام قدیم مشاهده کردیم و هم در ایلام میانه و بازهم در آینده با آن روبه رو خواهیم شد، چنین به نظر می‌رسد که الهه‌یکیریریش الهه حامی لیان بوده است، با توجه به این که بیشتر باستان شناسان معتقدند که الهه‌ی کیریریش الهه‌ای بوده است که در جنوب ایلام پرستش می‌شده و در مقابل این الهه، الهه‌ی پین ای کیر در شمال ایلام بوده و پارتی مادر خدایان ناحیه‌ی آیپیر بوده است (صراف، ۱۳۸۷: ۹۶)، این سؤال پیش می‌آید که آیا حضور کیریریش در جنوب ایلام ربطی به نزدیکی این نواحی به سواحل خلیج فارس دارد یا خیر؟ باید توجه داشت که کیریریش الهه‌ی بزرگ مادر ایلامی‌ها است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۵۰) که از دو واژه‌ی «کیر» به معنی الهه و «ریشا» به معنی بزرگ تشکیل شده است (صراف، ۱۳۸۷: ۹۶).



بنابراین، این احتمال وجود دارد با توجه به اینکه خلیج فارس همواره نسبت به ایلامی‌ها همچون مادری بخشنده بوده است پس قرارگیری معبد کیریرشاله‌هی بخشنده‌ی مادر در کنار آن، به تأکید خاص ایلامیان بر خلیج فارس اشاره دارد و امری تصادفی نبوده است. جالب اینجاست که الهه‌ی مادر بین‌النهرینی‌ها ایشتار می‌باشد (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۵۰)، و با دریا و خلیج هیچ ارتباطی ندارد اما کیریرش ایلامی‌ها همواره در کنار خلیج فارس معنی یافته است، این خود می‌تواند دلیلی بر توجه بیشتر ایرانیان نسبت به اعراب در گذشته بر خلیج فارس بوده باشد. یکی از بزرگ‌ترین پادشاهان عصر ایلام میانه اونتوش نپیریش می‌باشد. از این پادشاه یک کتیبه به زبان ایلامی در تپه دیلم یافت شده است که در آن به ساخت معبدی برای خدای اینشوشیناک، مشتی و تپتی اشاره دارد و امیدوار است که ساخت این معبد برای این خدایان پویایی و شادمانی را برای سلطنت او به ارمغان آورد (Potts, 2010: 491). اما پادشاه بعدی ایلام که باز هم به نوعی با خلیج فارس ارتباط دارد، شوتروک ناهوته است. امپراطوری او در جنوب تا کرانه‌های خلیج فارس گسترش یافت، در لیان یکی از آجرهای کتیبه‌دار وی به دست آمده است. در این کتیبه او ادعای بازسازی معبد کهنه‌ای را می‌کند که به الهه‌ی کیریریش اهدا شده بود (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۲۳). متن کتیبه‌ی او به این صورت است که: معبدی را برای خدای کیریریش لیان بازسازی می‌کند این معبد را هومبان نومن بنا نهاده بوده اما در زمان شوتروک ناهوته تخریباتی در آن رخ می‌دهد که او این بنا را تعمیر می‌کند و آن را به عنوان هدیه‌ای برای خدای کیریریش معرفی می‌نماید (Potts, 2010: 499). نکته‌ی جالب در این است که عصر شوتروکی‌ها به عنوان اوج ترقی لیان در خلیج فارس مطرح است (پزار، ۱۳۸۴: ۲۹). در جای دیگر تزیین معبد کیریرش لیان با آجر لعاب دار هم از فعالیت‌های او در کرانه‌ی خلیج فارس است (پاتس، ۱۳۸۸: ۳۶۷). بعد از شوتروک

ناهونته نوبت به پادشاهی کوتاه کوتیرناهونته رسید، او توانست معبد الهه‌ی کیریریش را که هومبان نومن در لیان بر پا ساخته بود، باز سازی کند (مجیدزاده، ۱۳۷۱: ۲۵)؛ و آن را برای سلامتی خود، همسرش ناهونته او تو و فرزندش وقف کند (کامرون، ۱۳۷۴: ۸۴). شیلهاک اینشوشینک نیز بر خلیج فارس حکومت کرد، او همان معبد کیریریش و یک پرستشگاه مشترک هوبان و کیریریش در لیان را بازسازی کرد (کامرون، ۱۳۷۴: ۹۲). در دوره‌ی هوتو لوتوش اینشوشیناک هیچ کتیبه‌ای از او در لیان خلیج فارس به دست نیامد (همان: ۹۹). (از این پادشاه کتیبه‌ای از تل افغان لردگان استان چهارمحال و بختیاری کشف شده است (اعراب، ۱۳۹۲). این امر (عدم یافت شدن کتیبه‌ای از او در لیان) نشان می‌دهد که در عصر او لیان دیگر در اختیار پادشاه ایلام نبود (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۲۷).

بررسی سرزمین‌های اطراف خلیج فارس در دوره‌های ایلام قدیم و ایلام میانه

دیلمون: نام دیلمون بارها از دوره اروک جدید به بعد در متون مشاهده شده است. محل آن در جنوب خلیج فارس یعنی بحرین پیشنهاد می‌گردد (حصاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۷). دیلمون به عنوان آذوقه رسان به جنوب بین‌النهرین در هزاره‌های دوم و سوم ق.م مطرح است، دیلمون چوب و مس را به عنوان آذوقه به جنوب بین‌النهرین ارسال می‌کرد. در خصوص ارسال هر دوی این محصولات منابعی از شرق به دست آمده است (Huraeka, 1983: 83). دیلمون یکی از مراکزی بوده که به وسیله تجارت مس با شوش ارتباط داشته است. از طرف دیگر یافتن سفال شاخص دیلمون (فرم قرمز شیاردار خمیره‌های ذخیره سازی) در لیان نشان از حضور لیان به عنوان پل ارتباطی بینانشان و خلیج فارس است (Potts, 2009: 34). دیلمون را حتی اگر بحرین امروزی بدانیم، باید توجه داشته باشیم که در دوره‌هایی زیر نظر کاسی‌ها اداره می‌شده است. این موضوع را می‌توان از دو متن در موزه‌ی استانبول که فرماندار



نیپور نامه‌هایی به برادر خود که فرماندار کاسی دیلمون بوده فرستاده است، دریافت (Potts, 2005: 115). اهمیت این موضوع از آن جهت است که بسیاری از محققین کاسی‌ها را برخاسته از فلات ایران می‌دانند. به طور مثال ایران‌شناس آلمانی ایلرس، لرستان را مرکز قوم کاسی دانسته و به یکی از شاخه‌های رود سیمره به نام کشگان رود اشاره کرده و این رود را با رودخانه‌ی کاسی مقایسه می‌کند (Eilers, 1982: 37). زادوک نیز با بررسی نام‌ها در آشور نو این نظر را می‌دهد که کاسی‌ها در زاگرس و آنجایی که بعدها ماد بزرگ نامیده شده زندگی می‌کردند (Zadok, 2002: 112). نکته‌ی جالب توجه شهرستان کاشان و شباهت نام آن به کاسی‌ها است. اکنون نیز به اهالی کاشان، کاشی می‌گویند که لغتی بسیار نزدیک به کاسی است. در دوره‌هایی از تمدن اسلامی کاشان را قاسان نیز آورده‌اند (ضرابی، ۱۳۳۴: ۱۰۵). این امر نشان می‌دهد که تبدیل کلمه «ش» به کلمه «س» امری معمول بوده است. از طرف دیگر برخی از باستان‌شناسان قبرستان B سیلک کاشان را متعلق به دوره‌ی ماد دانسته‌اند (فیروزمندی، ۱۳۸۹: ۲۷). که این موضوع با نظر زادوک در خصوص منشأ کاسی‌ها نیز قابل مقایسه می‌باشد. پس شاید بتوان گفت که مردمان ساکن در دیلمون هم زمان با ایلامیان قدیم و میانه خاستگاهی ایرانی داشته‌اند و این مردمان با رفتن به دیلمون از طریق خلیج فارس با ایلامیان و بین‌النهرینی‌ها مبادلاتی را انجام داده‌اند.

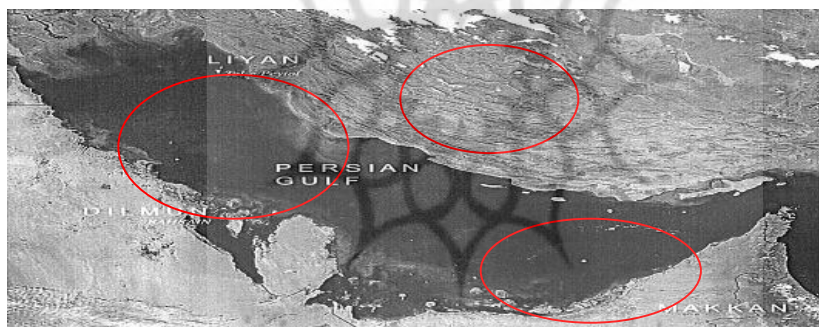
مگن: لیمنز و کرول معتقدند که مقدار زیادی از حبوبات تولید شده توسط کشاورزان آشوری در جنوب بین‌النهرین بهای پرداخت جهت دریافت کالاهای کشورهای بیگانه مثل مس مگن بود (Leemans and Kroll, 1984: 25). در کتیبه‌ی به دست آمده متعلق به سال دوم ایبی سین نشان می‌دهد که بین‌النهرینی‌ها مقدار ۶ کور (۱۵۱۵/۶ لیتر) روغن کنجد را در ازای خرید مس از مگن به این سرزمین داده‌اند (Potts,)



425: 1993). پس تا اینجا در میابیم مگن باید سرزمینی باشد که مس فراوان دارد. برخی از محققین مگن را استان هرمزگان امروزی و تنگه‌ی هرمز می‌دانند (حصاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۷). در عین حال برخی دیگر این سرزمین را عمان معرفی کرده‌اند. در خصوص محل مگن با توجه به کاوش‌های انجام شده در محوطه‌های عمان نظیر جبل حفیت و مایسر و چند محوطه‌ی دیگر هم زمان با ایلام قدیم و ایلام میانه این نظر را داده‌اند که مگن باستانی همان عمان است. اما متأسفانه هنوز در هرمزگان و تنگه‌ی هرمز کاوش‌های دقیق باستان‌شناسی جهت شناسایی آثار هم زمان با ایلام قدیم و میانه انجام نشده است. باید توجه داشت که آثار به دست آمده از عمان شباهت بسیار زیادی به آثار شرق ایران دارند (Potts, 1993: 423-426). پس این احتمال وجود دارد که بتوان عمان را زیرمجموعه‌ی فرهنگی شرق و جنوب شرق ایران به حساب آورد. ظروف ساخته شده از سنگ نرم قطعاً در هزاره دوم ق.م در مگن ساخته شد و به جنوب غرب ایران راه یافت (پاتس، ۱۳۸۸: ۲۸۴). این تجارت‌های دریایی مس و ظروف ساخته شده از سنگ نرم میان مگن و ایلام و بین‌النهرین قطعاً از طریق خلیج فارس در آن زمان رخ داده است.

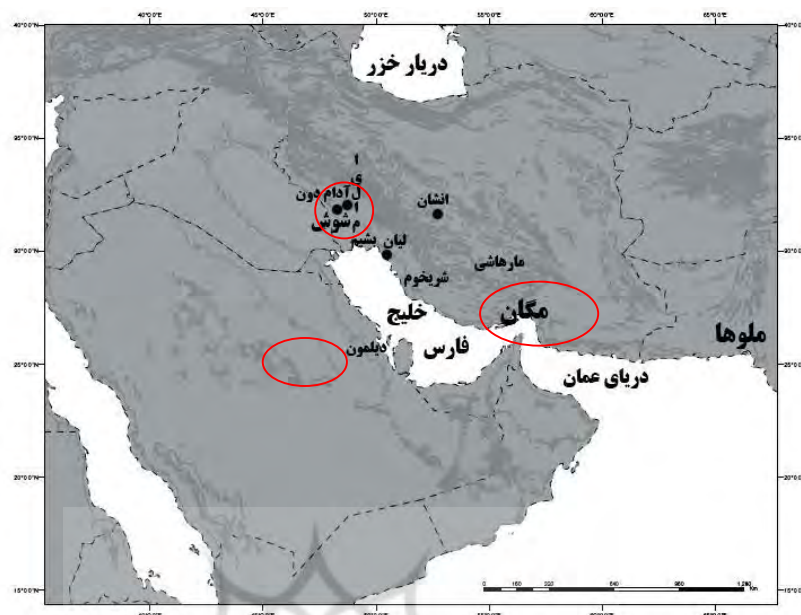
لیان: لیان در کنار خلیج فارس قرار داشته است و همواره با واژه‌ی ان آی ام آمده است. به نظر می‌رسد لیان یک شهر وابسته به آنشان بوده نه وابسته به خوزستان (شوش) ناپیرشا و کیریرش در این جا مورد پرستش قرار می‌گرفتند. احتمالاً راهانشان به بین‌النهرین از این جا بوده است. لازم به ذکر است تپه ملیان روزی به عنوان شهر انشان یکی از مراکز قدرت سیاسی ایلامی بوده و در غرب تخت جمشید در دشت مرودشت قرار داشته است. سفالینه‌های بدست آمده از دوره کفتری در بستر رودخانه کر و تپه نخودی پاسارگاد و بوشهر و دیلمان و مگن در حوزه خلیج فارس مشابهت دارند که بیانگر ارتباطات وسیع و اهمیتانشان در دوره کفتری می‌باشد (پزار، ۱۳۸۴؛

122: Hansman 1972)؛ که در ادامه در خصوص این ارتباط به طور مفصل صحبت می‌شود. بنابراین سفال‌های لیان شبیه به دوره‌ی کفتری فارس است (حصاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۵-۶). با توجه به کتیبه‌های خوانده شده مشخص می‌شود که لیان با بحرین تنها ۱۷۵ مایل فاصله داشته است (Whittingham and King, 1920: 85). مهرهای استامپی ایلامی در سال ۱۸۵۶ میلادی از تل پی‌تل توسط گروه کمپانی هند شرقی به دست آمدند. همچنین فریدریش استولز ۲۰۰۰ آجر نوشته‌ی تکه شده و ۱۰۰۰ آجر نوشته‌ی سالم به دست آورد. پس این فراز و نشیب‌ها در نهایت پزار در سال ۱۹۱۳ مسئولیت حفاری تل پی‌تل را به عهده گرفت (Potts, 2005: 2). تمام این موارد دست به دست هم دادند تا در نهایت تل پی‌تل به عنوان لیان باستان به وسیله‌ی بیشتر باستان شناسان معرفی شود.



تصویر ۱. محل قرارگیری لیان، دیلمون و مگن طبق نظر پاتس (Potts, 2006: 112).





تصویر ۲. محل قرارگیری لیان، دیلمون و مگن طبق نظر حصارى (حصارى و همکاران، ۱۳۹۰: ۴).

فیلکه: در اواخر هزاره‌ی سوم و اوایل هزاره‌ی دوم ق.م در قسمت غربی خلیج فارس محوطه‌ی بزرگ فیلکه به خوبی نمایان‌گر آن روزگار است (Potts, 2005: 2). در ۲۰۰۰ تا ۱۳۰۰ ق.م در فیلکه شاهد تغییراتی در مجموع سفال‌ها هستیم، اما مشخص نیست این تغییر به خاطر نوعی انفصال بزرگ در صنعت است، یا جزء توالی فرهنگی آنجا می‌باشد (Potts, 2009: 35). یافتن مقداری مهر از نوع دیلمون در فیلکه نشان از تجارت دریایی بین این دو منطقه به وسیله‌ی خلیج فارس در دوره‌ی مورد بحث می‌باشد (El-Sendy, 1994: 55).

امارات و عمان: تل‌آبرق در ساحل امارات شواهد روشنی از سفال، مهر، ظروف سنگی و شیوه تدفین برای تمایز بین دیلمون و مگن دارد (Potts, 2005: 2). حضور سفال اواخر هاراپا در تل‌آبرق که قطعاً منشأ آن در گجرات است، تجارت دریایی بین

دیلمون و هاراپای پایانی را نشان می‌دهد (Potts, 2009: 34). در این تجارت دریایی قطعاً خلیج فارس نقش مهمی را بازی می‌کرده است. در تل‌آبرق ما شاهد یک توالی عمومی یکجانشینی از اواسط هزاره‌ی سوم تا اواسط هزاره‌ی اول هستیم (Potts, 1993: 428). از محوطه‌های مهم عمان در دوره‌ی مورد بررسی، وادی‌سوق می‌باشد که طبق نظر کلوزیو حفار آن متعلق به سال‌های ۲۰۰۰ تا ۱۶۰۰ ق.م است. که وی معتقد است این محوطه آخرین استقرار دائم پیش از مهاجرت از شرق عربستان و کوچ نشینی همیشگی در این منطقه می‌باشد (Cleuziou, 1981: 292). در اواخر عصر مفرغ در وادی‌سوق ظروف کوچکی یافت شده که دارای دو یا سه حلقه‌ی تزئینی هستند. این حلقه‌ها به نظر تقلیدی از ظروف کاسی‌ها در بحرین (دیلمون) و فیلکه هستند (Velde, 2003: 105). این امر نشان از ارتباط بین دیلمون، فیلکه و وادی‌سوق می‌باشد و با توجه به شکل ۳ کاملاً مشخص است که، این ارتباط جز از طریق خلیج فارس امکان پذیر نبوده است.



تصویر ۳. مقایسه محل قرارگیری فیلکه، دیلمون و وادی‌سوق.

نتیجه گیری

در دوره‌های ایلام قدیم و میانی، خلیج فارس بخش عمده‌ای از سرزمین‌های جنوبی این حکومت‌ها را شامل می‌شد. لیان مهم‌ترین مرکز ایلامیان در خلیج فارس می‌باشد که تاکنون کاوش شده است. این شهر مرکز پرستش یکی از بزرگ‌ترین خدایان ایلام یعنی بانو پین ای کیر بوده است. پرستش این ایزد بانو در لیان امری اتفاقی نبوده است. بلکه احتمالاً با نزدیکی این شهر به خلیج فارس رابطه‌ای مستقیم دارد. چراکه خلیج فارس همچون مادری بخشنده نزد ایلامیان بوده، از طرف دیگر چنین به نظر می‌رسد که در بین ایلامیان زنان بنادر و شهرهای اطراف خلیج فارس نیز جایگاه والایی داشته‌اند. کتیبه‌های به دست آمده از لیان بیشتر در خصوص معبد الهه مادر ایلامیان بانو پین ای کیر هستند. قطعاً یافتن این معبد می‌تواند بسیاری از مسائل مربوط به لیان و خلیج فارس در دوره‌ی ایلام را روشن کند. به نظر می‌رسد ایلامیان در بیشتر دوره‌های مورد بحث مرز مشترک بسیار بیشتر از سایر همسایه‌های خود با خلیج فارس داشته‌اند، که این موضوع اهمیت مطالعه خلیج فارس را در این دو دوره می‌رساند. ایلامیان با استفاده از این خلیج همواره با همسایگان خود در تماس بوده‌اند. مهم‌ترین این همسایگان دیلمون، مگن، فیلکه، عمان و امارات بوده‌اند. این سرزمین‌ها همراه با ایلامیان قدیم و میانه مبادلات تجاری زیادی به وسیله‌ی خلیج فارس داشته‌اند. با توجه به تاریخ بسیار گسترده‌ی ایلام قدیم تا پایان ایلام میانهم با توجه به قدمت ایلامیان، به نظر می‌رسد هیچ حکومتی به اندازه‌ی ایلامیان بر خلیج فارس حکومت نکرده است. کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس در سالهای اخیر کاوش‌های علمی بسیاری در هزاره‌های سوم و دوم ق.م (همزمان با ایلام قدیم و میانی در ایران) محوطه‌های خود انجام داده‌اند، ولی متأسفانه ما هنوز در خصوص این ادوار در کشورمان فعالیت‌های وسیعی انجام نداده‌ایم. این احتمال وجود دارد که





سرزمین‌های حاشیه‌ی خلیج فارس در دوره‌های ایلام قدیم و میانی بسیار تحت تأثیر ایلامیان بوده‌اند، چه بسا حتی یکی از شهرهای زیرمجموعه‌ی ایلام نیز در این دوره‌ها می‌توانستند باشند. همچون دیلمون که به نظر می‌رسد امیران آنجا ریشه‌ای از فلات ایران داشته‌اند.

منابع

- آمیة، پیر (۱۳۸۹). **تاریخ عیلام**، ترجمه دکتر شیرین بیانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اعراب، علی (۱۳۹۲). «بررسی آجرنوشته‌ی هوتی لوتوش اینشوشیناک در موزه‌ی باستان‌شناسی شهرکرد»، اولین همایش ملی گردشگری، جغرافیا و محیط زیست پایدار، همدان: انجمن ارزیابان محیط زیست هگمتانه.
- اقتداری، احمد (۱۳۴۵). **خلیج فارس**، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- امیرابراهیمی، عبدالرضا (۱۳۷۷). **خلیج فارس**، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- باغبان کوچک، غلامعلی (۱۳۷۵). «مقایسه و تحلیل باستان‌شناسی مذهب و معماری مذهبی تمدن ایلام با تمدن بین‌النهرین»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران (منتشر نشده).
- پاتس، دنیلتی (۱۳۸۸). **باستان‌شناسی ایلام**، ترجمه زهرا باستی، تهران: سمت.
- پزار، موریس (۱۳۸۴). **مأموریت در بندر بوشهر: گزارش حفاری‌ها و مطالعات باستان‌شناسی**، ترجمه ضیاء مصلح، بوشهر: شروع.

جوزی، زهره (۱۳۷۱). «مذهب ایلام با نگرشی بر مهرهای استوانه‌ای»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران (منتشر نشده).

حصاری، مرتضی و احمد علی یاری و فرشید ابروانی قدیم (۱۳۹۰). «کنکاشی بر نقش و موقعیت ایالت‌های آغاز ایلامی و ایلامی بر تجارت آبی خلیج فارس»، مجموعه مقالات همایش ملی خلیج فارس، ش ۸.

صراف، محمدرحیم (۱۳۸۷). مذهب قوم ایلام (۲۶۰۰-۵۰۰۰ سال پیش)، تهران: سمت.

ضرابی (سهیل کاشانی)، عبدالرحیم (۱۳۳۴). «مرآه قاسان یا تاریخ کاشان» فرهنگ ایران زمین، ش ۳.

علیزاده، عباس (۱۳۸۷). شکل‌گیری حکومت عشایری و کوهستانی عیلام باستان، شهرکرد: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان چهارمحال و بختیاری.

فیروزمندی شیره جینی، بهمن و علی اکبرسرفراز (۱۳۸۹). باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی، تهران: مارلیک.

قاسمی، مریم (تابستان ۱۳۸۵). «جایگاه زنان در دوره‌ی عیلام». ماهنامه رشد آموزش تاریخ، ش ۲۳.

کامرون، جورج گلن (۱۳۷۴). ایران در سپیده دم تاریخ، ترجمه حسن انوشه، تهران: علمی و فرهنگی.

مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۰). تاریخ و تمدن ایلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

هیتس، والتر (۱۳۸۳). دنیای گمشده عیلام: بازسازی یک تمدن گمشده. ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران: علمی و فرهنگی.

B. Hruæka (1983). "Dilmun in den vorsargonischen Wirtschaftstextenaus .uruppak und Lagæ," in D. T. Potts, ed., Dilmun: New Studies in the Archaeology and Early History of Bahrain, Berlin, 1983, pp. 83-85.

C. Velde (1993). "WadiSuq and Late Bronze Age in the Oman Peninsula," in D. Potts, H. Al D.T Potts.

D.T Potts (2006). "ELAMITES AND KASSITES IN THE PERSIAN GULF," Journal of Near Eastern Studies: 111-120.

D.T Potts (2009). "The Archaeology and Early History of the Persian Gulf," The Persian Gulf in History: 27-57.

D.T Potts (2010). "Elamite Temple-Building," Essays on Temple Building in the Ancient Near East and Hebrew Bible: 49-71.

El- Sandy. kh (1994). The Dilmun type seals in the National Museum of Bagrain. Bahrain.

H. Whittingham and C. T. King (1920). Reed s Tables of Distances between Ports and Places in all Parts of the World (Sunderland, England), p. 85.

J. Hansman, (1972). Elamites, Aghaemenians and Anshan. Iran, 10, 101-125.

K. Lambeck (1996). Shoreline Reconstructions for the Persian Gulf since the Last GlaciaMaximum, Earth and Planetary Science Letters 142.

M.W.Stopler (1982). On the dynasty of Simaski and the Early Sukkalmah. Zeitschrift fur Assuriologie, 72: 42-63.

Naboodah and P. Hellyer, eds (2003). Archaeology of the United Arab Emirates, London.

R. Zadok (2002). The Ethno-linguistic Character of Northwestern Iran and Kurdistan in the Neo-Assyrian Period, Jerusalem.

S. Cleuziou (1981). Oman Peninsula in the early 2nd millennium b.c., in South Asian Archaeology. ed. H. Härtel, Berlin, Germany: Dietrich Reimer.

S.Kroll and W.F Leemans (1984). Op zoek naar de koperindustrie van Makan. Phoenix, 30: 10-25.

W. Eilers (1982). Geographische Namengebung in undum Iran, Munich.

